

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی  
پژوهشکده علوم سیاسی

## رساله دکتری رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی

عنوان رساله

نگرش‌های فلسفی سیاسی در آرای صدرالمتألهین

استاد راهنما  
دکتر محمد علی فتح الهی

استاد مشاور  
حجت الاسلام والمسلمین مرتضی واعظ جوادی  
دکتر داود مهدوی زادگان

پژوهشگر  
شریف لکزایی

مهر ۱۳۹۱

## چکیده

تبیین فلسفه سیاسی مورد نیاز جامعه و انقلاب اسلامی مستلزم کاوش در سرمایه های فکری و فلسفی است که در اختیار داریم. برای این منظور باید با بازشناسی، بازخوانی و بازنگری انتقادی وضعیت موجود و بازسازی و ارائه فلسفه سیاسی متناسب زمانه بتوانیم به سمت وضعیت مطلوب حرکت نماییم. این مهم جز با بررسی مکاتب فلسفی اسلامی ممکن نیست. رساله حاضر با این هدف به نگارش درآمده است تا تمهیدات نظری برای توانمندسازی فلسفه سیاسی اسلامی، تلاش برای نیل به علوم انسانی بومی در قالب فلسفه سیاسی متعالیه و ایجاد پشتوانه فلسفی برای انقلاب اسلامی را فراهم نماید. نگارنده برای نیل به هدف مذکور، متناسب با پرسش اصلی رساله، مباحث را در سه بخش سامان داده است. در بخش نخست ضمن تأمل در حیات علمی، اجتماعی و سیاسی ملاحظه‌ها برای نخستین بار از سه دوره بازشناسی، تأسیس فلسفه نوین و وحدت‌نگری در زندگی وی سخن به میان آورده است. این سه دوره با نگاهی مختصر به مفهوم فلسفه سیاسی و حکمت متعالیه، و با تبیین ادبیات موضوع، به بررسی دو دیدگاه در این زمینه می‌پردازد و با استدلال بر امکان فلسفه سیاسی صدرالمتألهین به بحث‌های ایجابی ادامه می‌دهد. از این رو در بخش دوم بنیان‌های فلسفی صدرالمتألهین را در زمینه انسان، جامعه و قدرت، مورد بحث قرار می‌دهد. در کنار این البته ابعاد، نتایج و پیامدهای سیاسی سه موضوع مذکور نیز آفتابی می‌شود. در اینجا ضمن بحث درباره انواع انسان از انسان مختار و حرکت جوهری وی سخن به میان آمده است که در حوزه جمعی، فضای زیست خود را در قالب جامعه ایمانی و به صورت اختیاری تداوم می‌بخشد. در ادامه مبحث قدرت، با لحاظ این که امری وجودی است، بر چگونگی کسب قدرت و حفظ آن و غیر مادی بودن و مراتب سه گانه آن تأکید می‌شود. بخش سوم رساله حاضر به نگرش‌های سیاسی صدرالمتألهین در موضوع رئیس‌مدینه فاضله و رابطه شریعت و سیاست می‌پردازد و به برخی اختصاصات ملاحظه‌ها اشاره می‌کند. در این فصل بر قدرت‌گیری شریعت با زمینه‌سازی سیاست سخن به میان می‌آید و بر قیاس رابطه نفس و بدن در حکمت متعالیه، مناسبات شریعت و سیاست مورد توجه و تحلیلی تازه قرار می‌گیرند. به نظر، فلسفه متعالیه با تأکید بر این که شریعت، روح سیاست است از شجاعت بیشتری برای پرداختن به مسأله سیاست برخوردار است و به طو و طبیعی، فلسفه سیاسی خاصی را پی‌ریزی می‌کند. با چنین دیدگاهی است که سیاست، دینی، معنوی و اخلاقی می‌شود. در فصل پایانی تلاش می‌شود برخی از تأثیرات و ظرفیت‌های فلسفه متعالیه با تأمل در ارتباط آن با انقلاب اسلامی ایران مورد تحلیل قرار گیرد. در هر حال رساله حاضر نشان خواهد داد که فلسفه ملاحظه‌ها واجد ظرفیت‌های غنی سیاسی و اجتماعی است که آن را نقطه قابل اتکایی برای بسط و توانایی فلسفه سیاسی اسلامی می‌سازد و آشکارسازی ابعاد مختلف آن را بایسته توجه می‌کند. نگرش‌های فلسفی سیاسی ملاحظه‌ها از سرشتی متمایز از فلسفه‌های دیگر همانند جامعیت و توجه به ابعاد مادی و معنوی سیاست، انسان و جامعه، روش‌مندی، هدف‌مندی و نگاه بنیادی در توجه به مبدأ تا معاد برخوردار است. تبیین و ارائه نگرش‌های فلسفی سیاسی و در نهایت فلسفه سیاسی صدرالمتألهین افزون بر دست‌یابی جامعه علمی ما به فلسفه سیاسی بومی و اسلامی، می‌تواند به عنوان پشتوانه فلسفی انقلاب اسلامی ایران مطرح و ظرفیت‌های آن را بیش از گذشته مورد توجه قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** حکمت متعالیه، فلسفه سیاسی، فلسفه سیاسی اسلامی، انقلاب اسلامی، ملاحظه‌ها.

نگرش‌های فلسفی سیاسی در آرای صدرالمتهلین

برای پدرم و مادرم.

## یاد و سپاس

ضمن شکرگزاری به درگاه خداوند متعال به سبب توفیق در تحصیل و پژوهش ، و به رسم ادب، از همه اساتید بزرگواری که در طول دوره تحصیلی دکتری علوم سیاسی و به ویژه در رساله حاضر به اینجانب نکته‌هایی رهنمون شده و چیزهای زیادی آموختند تقدیر و تشکر می‌کنم. به ویژه مایلم از دکتر محمد علی فتح الهی به خاطر برعهده گرفتن راهنمایی رساله حاضر، و حجت الاسلام والمسلمین مرتضی واعظ جوادی و دکتر داود مهدوی زادگان به سبب پذیرفتن مشاوره این رساله سپاس‌گزاری نمایم. مشاوره‌های عالمانه دکتر علیرضا صدرا نیز در پا و پایان گرفتن رساله حاضر قابل ارج نهادن و سپاس‌گزاری است. همچنین زحمات اساتید محترم دکتر موسی نجفی، دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی و دکتر مهدی گلشنی و همه دست اندرکاران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به ویژه در پژوهشگاه علوم سیاسی و مدیریت تحصیلات تکمیلی در طول دوره تحصیلی ام را ارج نهاده و از همه آنان تقدیر و تشکر می‌کنم. بجاست از اساتید محترم داور دکتر منصور میراحمدی و دکتر سید علی طاهری خرم‌آبادی که زحمت مطالعه و اظهار نظر درباره رساله حاضر را بر خود هموار کردند نیز تقدیر و تشکر نمایم. همکارانم در پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به ویژه دکتر نجف لک زایی که فضای علمی خوبی برای انجام تحقیق به ویژه در موضوع رساله حاضر پدید آورده اند، و اهتمام آنان برای انجام پژوهش - هایی در زمینه فلسفه سیاسی به منظور تقویت فلسفه سیاسی اسلامی و فلسفه سیاسی متعالیه قابل ارج نهادن است. همسر، نجمه کیخا، افزون بر هم فکری و هم‌اندیشی درباره موضوع پژوهش، سهم بسزایی در به سرانجام رسیدن رساله حاضر داشتند که جا دارد از ایشان تقدیر و تشکر نمایم.

## فهرست مطالب

۴	فهرست مطالب
۹	مقدمه: طرح تفصیلی
۹	تبيين موضوع تحقیق
۱۴	هدف و ضرورت تحقیق
۱۵	پیشینه پژوهش
۱۸	چارچوب، مبانی نظری و پیشفرض‌های تحقیق
۱۸	پرسش، فرضیه و روش تحقیق
۲۰	سازماندهی تحقیق
۲۴	بخش نخست
۲۴	کلیات و مفاهیم
۲۵	فصل اول، کلیات علمی، سربلندی و اجتماعی ملاحظه‌ها
۲۵	کلیات علمی
۳۰	اساتذ و شاگردان
۳۲	صدرالمتألهین و سلسله صفوی
۳۵	طبقه‌بندی آثار
۳۵	صدرالدین جوان (بازشناسی)
۳۷	صدرالدین مکتبی (تدوین فلسفه نون)
۴۰	صدرالدین کبی علی صدرالمتألهین (وحدت‌نگری)
۴۳	جمع‌بندی
۴۵	فصل دوم: مفهوم شناسی
۴۵	فلسفه سربلندی اسلامی

۴۷	حکمت متعالیه
۵۳	جمع بندی
۵۶	فصل سوم: ادبیات موضوع: امکان بی امتناع فلسفه سیاسی صدرالمتألهین
۵۶	مقدمه
۵۷	بحثی در باب امتناع
۶۲	نفرت و شرافتگی
۶۷	دلایلی نادیده انگاشتن فلسفه سطریری صدرالمتألهین
۶۷	یکم. فقدان نگاه سطریری به آثار ملاصدرا
۶۸	دوم. عدم توجه به مباحث سطریری ملاصدرا
۶۹	سوم. سطریره اندیشه های رقیب
۶۹	چهارم. بحران های سطریری و اجتماعی
۷۰	پنجم. تکراری بودن مباحث ملاصدرا
۷۲	نقش موافقان
۷۶	بحثی در امکان
۸۰	جمع بندی
۸۲	بخش دوم
۸۲	بولن های فلسفی
۸۳	فصل چهارم: انسان
۸۳	مقدمه
۸۴	انواع انسان
۸۴	۱. انسان حسری
۸۵	۲. انسان خطلی
۸۶	۳. انسان حیواری
۸۶	۴. انسان حوقلی

۸۸.....	طبقه‌بندی دیگر انسان.....
۹۰.....	انسان در مسری شدن.....
۹۲.....	اخطر.....
۹۳.....	معنای اخطر در اندیشه صدرالمتألهین.....
۹۵.....	نظری‌ها در باب اخطر.....
۱۰۳.....	انسان مختار.....
۱۰۷.....	اخطر و آزادی در اسفار اربعه.....
۱۰۸.....	اخطر، آزادی و امریت.....
۱۱۰.....	جمع‌بندی.....
<b>۱۱۲.....</b>	<b>فصل پنجم: جامعه.....</b>
۱۱۲.....	مقدمه.....
۱۱۳.....	حرکت و زمان.....
۱۱۵.....	حرکت جوهری.....
۱۱۸.....	عوامل محرک جامعه.....
۱۲۱.....	فرد و جامعه.....
۱۲۹.....	سعادت.....
۱۳۲.....	جمع‌بندی.....
<b>۱۳۴.....</b>	<b>فصل ششم: قدرت.....</b>
۱۳۴.....	مقدمه.....
۱۳۷.....	بحثی در مفهوم قدرت.....
۱۴۳.....	قدرت؛ تمکن قادر.....
۱۴۸.....	اوصاف و ارکان قدرت.....
۱۵۳.....	وئی‌گی‌های اصحاب قدرت.....



.....	معرفت و قدرت	۱۵۶
.....	جمع‌بندی	۱۶۱
.....	بخش سوم	۱۶۴
.....	نگوش‌های سرکسری	۱۶۴
.....	فصل هفتم: ریچس مدینه فاضله	۱۶۵
.....	مقدمه	۱۶۵
.....	ریاست مدینه فاضله	۱۶۸
.....	اوصاف سه‌گانه نپی	۱۷۲
.....	نپی، خایفه خدا	۱۷۸
.....	رهبری حکم الهی و عارف ربّاری	۱۸۰
.....	غرض از خلقت: عالم ربّاری	۱۸۳
.....	نحوه اکتساب علوم	۱۸۵
.....	برتری علوم بر احوال و اعمال	۱۸۷
.....	نپی، حکمی از حکمای الهی	۱۹۰
.....	نصب الهی نپی	۱۹۲
.....	صفات دوازده‌گانه ریچس اول	۱۹۷
.....	ترک لذت ریاست	۲۰۲
.....	نشانه‌های هشتگانه رهبران راستی	۲۰۴
.....	جمع‌بندی	۲۰۹
.....	فصل هشتم: شریعت و سرکسرت	۲۱۱
.....	مقدمه	۲۱۱
.....	شریعت	۲۱۲
.....	سرکسرت	۲۱۳
.....	تمایزات شریعت و سرکسرت به مثابه روح و جسد	۲۱۷

۲۱۸	۱. تفاوت در مبدأ علی خاستگاه.....
۲۲۱	۲. تفاوت در غایت.....
۲۲۴	۳. تفاوت در فعل.....
۲۲۴	۴. تفاوت در انفعال و کارکرد.....
۲۲۵	شریعت و سرکست بر اساس حرکت جوهری.....
۲۲۹	جمع‌بندی.....
۲۳۱	فصل نهم: ظرفیت‌ها و تأثیرات حکمت متعالی: تأملی در انقلاب اسلامی.....
۲۳۱	مقدمه.....
۲۳۳	امکان تبیین فلسفی متعالی انقلاب اسلامی.....
۲۳۹	امتناع تبیین فلسفی متعالی انقلاب اسلامی.....
۲۴۳	ظرفیت‌ها و تأثیرات حکمت متعالی در انقلاب اسلامی.....
۲۵۱	جمع‌بندی.....
۲۵۳	خاتمه: نتیجه‌گیری و ارزیابی یافته‌های پژوهش.....
۲۶۴	کتابنامه (فهرست منابع و مأخذ).....

## مقدمه: طرح تفصیلی

### تبیین موضوع تحقیق

اگر پذیرفته شود که در کشورمان در حوزه علوم انسانی با مشکلات و دشواری هایی مواجه هستیم و سال ها است که از نابسامانی در این حوزه در رنجیم به طور آشکار در حوزه مطالعاتی علوم سیاسی، اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی این دشواری ها بیشتر و افزون تر است. به نظر می رسد پس از مواجهه با اندیشه های مدرن به ویژه از دوره مشروطیت، سند دانش خود را که از سال ها قبل به دلایلی دچار کم رمقی و کم رونقی شده بود گم کردیم و البته تلاش ها برای رفو و نوزایش آن نیز همواره با دشواری ها و مصائبی همراه بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به تعبیر فیلسوف و متأله معاصر، آئے الله جوادی آملی، اگرچه تعدادی از زندانیان سیاسی هم آزاد شدند اما مهم تر از آن این بود که علوم اسلامی آزاد شدند و راه برای رشد و شکوفایی این دانش ها فراهم شد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. «این انقلاب، علوم و معارف و حیانی را تا حدودی آزاد و زنده کرده است. البته تعدادی از زندانیان سیاسی را نیز آزاد نموده است.» سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، دفتر اول: نشست ها و گفتگوها، به اهتمام شریف لک زایی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵.

## نگرش‌های فلسفی سیاسی در آرای صدرالمآلهین

در این میان به نظر می‌رسد در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز سوگمندان کم‌تر اقدام جدی و درخوری برای تأسیس، تولید و بسط دانش‌های بومی - اسلامی انجام گرفت و به رغم این که به نظر می‌رسید برخی شرایط برای بسط و توان‌مندی علوم و دانش‌های اسلامی فراهم بود اما طرح مشخصی برای این منظور پی‌گرفته نشد و یا شاید هم بایستی زمان می‌گذشت تا به طرح‌هایی در این زمینه دست یابیم. با این وصف، پژوهش‌های پراکنده‌ای با سلايق مختلف آغاز شد اما این اقدامات کم‌تر توانست جایگاه درخوری در حوزه دانش‌های معمول جامعه و مراکز رسمی علمی کسب کند. این طرح‌های پراکنده به مرور به گونه‌ای سمت و سویافت و به مقطعی رسید که به نظر می‌رسد با توجه به پشتوانه نیروی انسانی توان‌مند، با انگیزه و با اراده می‌توان از طرح‌های جدیدی که همراه با خلاقیت و ابتکار و مبتنی بر مبانی و منابع معرفتی اسلامی است سخن گفت.

چنین ایده‌ای به طور ضمنی بر این دیدگاه نیز صحنه می‌گذارد که نظریات و دیدگاه‌های غربی و غیر اسلامی و غیر بومی مناسب جامعه اسلامی و ایرانی با پیشینه استوار فکری و فرهنگی چند هزار ساله نیست و نمی‌تواند تمام مشکلات جامعه ما را حل کند. از این رو ضروری است به سمتی حرکت شود که ضمن سیراب شدن از مبانی معرفتی و فلسفی اسلامی و بومی بتواند مسائل و دشواری‌های موجود را حل و فصل کند. این نگاه به کنار نهادن تمامی اندوخته‌های دیگری و غربی را در سر نمی‌پروراند، بلکه در اندیشه تعامل با دنیا و جهان غرب است و راه تحول و پیشرفت را هم در چنین تعاملی می‌بیند اما تعاملی که ما نیز در آن حرفی برای ارائه داریم و به معنای واقعی تعامل است و می‌توانیم از پشتوانه غنی معرفتی خویش به سمت و سوی تعالی حرکت نماییم.

از آنجا که به نظر می‌رسد هر تمدن و حتی هر نظام سیاسی، مولود اندیشه و فلسفه سیاسی ویژه‌ای است؛ این پرسش قابل طرح خواهد بود که فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی ایران که جهانی را متحیر و متحول کرد، چیست؟ طبیعتاً تبیین این فلسفه سیاسی به منظور باز نمودن و حل و فصل مشکلات و خلأهایی است که پیش‌روی انقلاب اسلامی قابل طرح خواهد بود. بدین منظور نیازمندی به یک فلسفه سیاسی برخوردار از فرهنگ بومی و اسلامی و ایرانی خودش را به وضوح نشان می‌دهد. در واقع ما نیازمند آن هستیم که برای حل مسائل نظری در حوزه سیاست، دست به دامن فلسفه سیاسی شویم و از این منظر با پی‌ریزی بنیادی برای سیاست خود بتوانیم کاستی‌ها را جبران و راه را برای تحول، پیشرفت و تکامل جامعه فراهم سازیم.

تبیین فلسفه سیاسی مورد نیاز جامعه و انقلاب اسلامی مستلزم کاوش در سرمایه های فکری و فلسفی است که در اختیار داریم. برای این منظور سعی و تلاش ویژه‌ای باید منظور گردد تا با بازشناسی، بازخوانی و بازنگری انتقادی وضعیت موجود و بازسازی و ارائه فلسفه سیاسی متناسب زمانه بتوانیم به سمت وضعیت مطلوب حرکت نماییم. این مهم جز با بررسی مکاتب فلسفی اسلامی همانند حکمت مشاء، حکمت اشراق و حکمت متعالیه ممکن نیست. در این بررسی می‌بایست نقاط قوت و ضعف هر یک به دقت شناسایی و به منظور تأسیس و توان‌مندسازی اساسی جدید در حکمت و فلسفه سیاسی مورد توجه و بهره‌برداری قرار گیرد. نکته مهم دیگر این که بومی شدن و اسلامی شدن علوم به نوعی مبتنی بر این مسأله است که دانش‌های رایج در جامعه ما دارای پشتوانه و بنیادی فلسفی باشد. برای این منظور نمی‌توان بنیاد اندیشه غربی را برای حل و فصل مسائل جامعه اسلامی مان تدارک بینیم. این مسأله نیازمند آن است که این پشتوانه برآمده از دل فرهنگ و آموزه های پذیرفته جامعه‌ای باشد که ضمن برقراری ارتباط با آن بتواند مسائل و مشکلات آن را حل نماید. از این رو ما نیازمند توجه به داشته های فکری و فلسفی بومی خود هستیم تا بتوانیم به پی ریزی چنین بنیادی دست یابیم.

به نظر می‌رسد ارائه چنین نگرشی می‌تواند در سه بعد داخلی، منطقه‌ای، و بین‌المللی (جهانی) مؤثر و مفید باشد. در واقع اهمیت بعد داخلی در این است که پاسخی منطقی به خواست ملتی است که در سال ۱۳۵۷ دست به انقلابی عظیم و گسترده زد و در نتیجه می‌بایست جان و ضمیرش با حکمت و سیاستی که برخاسته از آموزه‌هایی اصیل باشد آموخته گردد تا بتواند فردای روشنی را پیش چشم خویش تصویر و ترسیم نماید. بنابراین انتظار این است که حکمت و فلسفه سیاسی اسلامی تدارک و ارائه شود. از سویی با توجه به الهام بخشی انقلاب اسلامی در جهان اسلام، ارائه حکمت و فلسفه سیاسی اسلامی یک خواسته و نیاز اسلامی در سطح منطقه و جهان اسلام نیز به شمار می‌آید؛ زیرا جنبش‌های مردمی امروزه در سطح منطقه مطالباتی را مطرح کرده اند که جز با طرح و بسط سیاستی اصیل و راستین نمی‌توان به آنان مساعدت نمود. افزون بر این، با توجه به سیاست بیمارگونه بین‌المللی شایسته است پرداختی فلسفی از سیاستی که مورد نظر انقلاب اسلامی است ارائه شود تا ضمن اصلاح رویکردها و تلقی‌ها از سیاست، مسیر حرکت به سمت تعالی و پیشرفت، به گونه روشنی پیموده شود و ملت‌های آزادی‌خواه به سمت و سویی حرکت نمایند که در آن صلاح و رستگاری ممکن باشد.

## نگرش‌های فلسفی سیاسی در آرای صدرالمتألهین

بدیهی است که نمی‌توان در این میان از تقویت دانش و اندیشه‌ورزی در حوزه حکمت و فلسفه سیاسی اسلامی نیز غفلت کرد. با توجه به این که جامعه ما جامعه ای مسلمان با داعیه‌های اسلامی و انسانی است نیازمند آن هستیم که به طور مداوم برای تولید دانش متناسب با زمان برنامه‌ریزی و تلاش نماییم تا بتوانیم مسیر جامعه را همواره به راهی روشن رهنمون شویم و مطالبات خویش را جامعه عمل بپوشانیم. ضمن این که نباید در چنین مسیری ادعاهای منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی را از یاد ببریم. به هر حال این مسأله هم از بعد داخلی و هم از بعد جهانی قابل تحلیل و ظرفیت سنجی است.

با فرض نیازمندی به چنین حکمت و فلسفه‌ای است که رساله حاضر پا گرفته است که بتواند به نوعی به طرح مسائل و نیازهای انسان معاصر در حوزه فلسفه سیاسی بپردازد و راه را برای توانمندسازی فلسفه سیاسی اسلامی فراهم نماید. برای این منظور، باید توجه داشت که در حوزه فلسفه اسلامی، فلاسفه انگشت شماری دارای برجستگی، صاحب نظریه و مؤسس مکتب هستند. این فیلسوفان عبارتند از: فارابی، ابن سینا، سهروردی، میرداماد و ملاصدرا. دیگر فیلسوفان به نوعی تابع، پیرو، شارح و مدرس مکاتب فلسفه اسلامی فاضله مشاء، اشراق سهروردی و متعالیه صدرایی شمرده می‌شوند و فاقد مکتبی جدید در فلسفه اسلامی هستند. از سویی می‌توان گفت که ملاصدرا در دوره خود برآیند و برآمد همه فیلسوفان گذشته است. وی با درک و فهم فلسفه گذشته و به ویژه فلسفه مشاء و فلسفه اشراق، که فلسفه رایج دوران وی بود، و در تعامل با استاد خویش، میرداماد، اقدام به تأسیس و نظام و قوام بخشی به فلسفه متعالیه کرد. گرچه این فلسفه در دوره خود ملاصدرا کم‌تر توانست جایگاهی بیابد اما یک قرن پس از ملاصدرا مورد توجه گسترده‌ای قرار گرفت و رونق یافت. فلسفه متعالیه در دوره‌های بعدی از رونق فلسفه مشاء به عنوان مهم‌ترین فلسفه اسلامی رایج کاست؛ اگرچه اهمیت آن به ویژه برای ورود به حکمت متعالیه دو چندان شد.

بی‌رونقی فلسفه‌های اسلامی رقیب نمی‌تواند سببی جز قوت و غنای فلسفه متعالیه داشته باشد. درواقع با توجه به این که به نظر می‌رسد برخی از فلسفه‌ها، با توجه به دیدگاهشان درباره رابطه نفس و بدن، تا حدی مبنای جدایی دین از سیاست را پی‌ریزی می‌کند، فلسفه متعالیه با تأکید بر این که شریعت، روح سیاست است از جسارت بیشتری برای پرداختن به مسأله سیاست برخوردار است و به طبع، فلسفه سیاسی خاصی را پی‌ریزی می‌کند که به نظر با آموزه‌های اسلامی شیعی نیز سازگاری بیشتری دارد. درواقع با توجه به بیماری سیاست در جهان معاصر، حکمت متعالیه بر این ایده پافشاری می‌کند که درمان سیاست همانا چنگ زدن به ریسمان محکم دیانت و شریعت است؛ زیرا در این حکمت هم معنا و هم ماده هر دو

مورد توجه قرار می‌گیرد و نیازهای معنوی و دنیوی و اخروی انسان یکجا لحاظ می‌شود. از این رو با توجه به این که شریعت، روح سیاست شمرده می‌شود، به دنبال پالایش و تعالی سیاست حرکت می‌کند. طبیعتاً با چنین تلقی و دیدگاهی است که سیاست، دینی، معنوی و اخلاقی می‌شود و فلسفه متعالیه نیز در پی دینی، اخلاقی و معنوی ساختن سیاست است.

به رغم این مسأله و با توجه به قوت‌ها و رونق فلسفه متعالیه که پای ثابت دروس فلسفه در حوزه‌های علمیه گردید، اما بخش بازپسین حکمت متعالیه با نگاه سیاسی و فلسفه سیاسی، بحد دلایل این که سیاست متعالیه مبتلابه جامعه نبود، اساساً طرح و مورد توجه قرار نگرفت و این انقلاب اسلامی است که چنین خواست اصیلی را طرح و برجسته ساخت. با چنین نگاهی تعبیر آزادی علوم و معارف و حیانی که توسط استاد متأله حکمت متعالیه معاصر، آئی الله جوادی آملی، طرح می‌شود رنگ و بوی دیگری می‌یابد.

به هر حال انقلاب اسلامی زمینه، مطالبه و نیاز و در نتیجه فرصتی را فراهم ساخت تا این اندیشه دوباره مورد بازخوانی قرار گیرد و از منظر متفاوتی به بحث پرداخته شود و حل مسائل و مشکلات فکری و نظری جامعه عمدتاً با نگاه به آثار و متون فلسفی بومی و اسلامی مورد توجه قرار گیرد. در این میان با توجه به نیازمندی جامعه و انقلاب اسلامی به فلسفه سیاسی مورد نیاز خود، مباحث مختلفی مورد توجه قرار گرفت که مهم ترین آنها بازشناسی، بازخوانی و بازنگری آثار و آرای صدرالمآلهین و دیگر حکمای حکمت متعالیه بود که می‌بایست از منظر اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی مورد بررسی قرار گیرد.

تأمل در فلسفه سیاسی ملاصدرا با توجه به پیچیدگی و دشواری های نظام فلسفی او، همچنان نیازمند تلاش بیشتری است. تلاش حاضر را بایستی به مثابه مقدمه و درآمدی در این زمینه به شمار آورد. ضمن این که نباید از یاد برد که قطع نظر از تأثیرگذار بودن ملاصدرا بر ادوار بعدی، تبیین فلسفه سیاسی او با توجه به فقدان اثری مستقل در این زمینه فی نفسه ارزشمند است.

رساله حاضر نشان خواهد داد که فلسفه ملاصدرا واجد ظرفیت غنی، والا و ارزش های فراوانی است که آشکار سازی و معلوم سازی ابعاد مختلف آن و به ویژه برخی از مسائل اساسی آن را بایسته توجه و تأمل می‌کند. اگرچه برخی در این میان تلاش کرده‌اند با انجام و انتشار کارهای شتابزده‌ای به تحقیر اندیشه ملاصدرا بپردازند اما به نظر نمی‌رسد در این راه عملاً توفیقی یافته باشند. جالب این که خود آنان در کارهای بعدی خویش به توانایی های سیاسی و اجتماعی این اندیشه و نظام فلسفی اذعان نموده و بر این نظرند که می‌توان از

چنین اندیشه‌ای در مباحث سیاسی و اجتماعی بهره‌گرفت و برخی مباحث سیاسی و اجتماعی را بر اساس آن سامان داد.<sup>۱</sup>

### هدف و ضرورت تحقیق

افزون بر آنچه از آن در تبیین موضوع پژوهش سخن به میان آمد، موضوع اصلی پژوهش حاضر تبیین نگرش‌های فلسفی سیاسی در آرای صدرالمتألهین است. این مسأله از آن رو اهمیت دارد که به رغم همه کاستی‌ها و خلأها، حکمت و فلسفه متعالیه در زمانه ما فلسفه رایج و جاری در مراکز علمی است. این موضوع با توجه به عدم پرداختن به ابعاد سیاسی و اجتماعی این فلسفه قدری اعجاب‌آور است. از این رو شایسته است در تحقیقی مستقل به این موضوع پرداخته شود که مؤسس حکمت متعالیه چنان که دستگاهی فلسفی و نظری سامان داده است اما از سویی دستگاه فلسفی و نظری او واجد ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی و بلکه فلسفه سیاسی خاصی است که می‌توان از آن با عنوان فلسفه سیاسی متعالیه یاد کرد.

در همین زمینه بایستی یادآور شد که به ادعای برخی از صاحب‌نظران، فلسفه متعالیه نقشی اساسی در پیدایش و پیروزی انقلاب اسلامی برعهده داشته است و پشتوانه غنی فلسفی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.<sup>۲</sup> اگر این نکته را بپذیریم که هر نظام سیاسی نیازمند نظریه سیاسی و به ویژه نظریه فلسفی سیاسی و یا فلسفه سیاسی است بنابراین با توجه به طرح این نکته که حکمت متعالیه تأثیر بسزایی در پیدایش انقلاب اسلامی داشته است از این رو بایستی ابعاد سیاسی و اجتماعی این مکتب فلسفی آشکار و روشن شود بی‌تردید تداوم و استمرار انقلاب اسلامی مبتنی بر مکتبی فلسفی است که بتواند ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، خلأهای فکری آن را پاسخ گفته و نیازهای تئوریک جامعه را برطرف نماید. از این منظر نیز ضروری است به فلسفه سیاسی ملاصدرا توجه شود و با ارائه برخی مباحث سیاسی این فلسفه به گونه‌ای حیات فکری، فرهنگی، سیاسی، اخلاقی، معنوی و دینی انقلاب اسلامی استمرار و تداوم یابد. به هر حال نیازمندی انقلاب اسلامی به فلسفه سیاسی متناسب با خود، موجبات تحقیق در حکمت متعالیه را ضروری و مهم می‌سازد.

<sup>۱</sup> . در فصل سوم به طور مبسوط به این مبحث پرداخته می‌شود.

<sup>۲</sup> . در فصل نهم در این زمینه گفتگو خواهیم نمود.



البته این نکته قابل توجه است که غالب پیروان و طرفداران و حکمای حکمت متعالیه عمدتاً در شمار پدیدآورانگان اصلی انقلاب اسلامی و استمراربخش جمهوری اسلامی به شمار می‌روند؛ همانند امام خمینی، علامه طباطبایی، استاد مطهری، دکتر بهشتی، آیت الله مفتاح، علامه جوادی آملی، آیت الله یحیی انصاری شیرازی و ... . در واقع اکثر کسانی که در انقلاب اسلامی سهمی و مشارکتی به ویژه در ابعاد فکری و رهبری و هدایت آن داشته‌اند اندیشه آنان به نوعی از حکمت متعالیه مشروب شده است. و این، مسأله‌ای مهم و قابل توجه است. البته بایستی توجه داشت که این نکته به معنای آن نیست که از نقش سایر عوامل و حتی رهبران و مبارزان در پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه نقش گسترده حضور مردمی این انقلاب غفلت شود و یا آنها را نادیده انگارد بلکه این ایده در پی آن است که ابعاد و پشتوانه فلسفی انقلاب اسلامی را که تا کنون مورد غفلت قرار گرفته است مورد تأکید و بازخوانی قرار دهد.

همه عناصر پیش گفته ما را به این نکته رهنمون می‌شود که بایستی توجه بیشتری به این بحث صورت‌گیری رد و فلسفه سیاسی ملاصدرا و حکمای حکمت متعالیه مورد تأمل، بازخوانی، بازنگری و بازسازی قرار گیرد. حکمت متعالیه نقطه قابل اتکایی برای بسط فلسفه سیاسی اسلامی و واجد ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی عظیمی است که به ما در این راستا مساعدت بی‌شمار می‌کند.

این مسأله افزون بر قوت‌هایی است که به لحاظ روشی نیز می‌تواند واجد اهمیت تلقی شود. در واقع حکمت متعالیه می‌تواند بخشی از مشکلات روشی ما را نیز حل نماید؛ زیرا برخلاف روند جاری علمی که بیشتر متکی بر روش‌های حسی است، این حکمت جامع روش‌های علمی است و از تکثری روشی بهره می‌برد و پژوهشگران را به استفاده از روش‌های مختلف فرامی‌خواند<sup>۱</sup> و بر آن است نگاه جامعی نسبت به پدیده‌ها و تفسیر پدیده‌ها به وجود آید که به ویژه در فلسفه سیاسی می‌تواند مؤثر و مفید واقع شود.

### پیشینه پژوهش

درباره فلسفه سیاسی ملاصدرا تا کنون کار مستقلی صورت نگرفته است که بتواند همه ابعاد و نگرش‌های فلسفی سیاسی وی را یکجا پوشش دهد و صدرالمتألهین را به عنوان فیلسوفی

<sup>۱</sup>. کتاب مستقلی که در باب روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا (تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۸) توسط احد فرامرز قراملکی نگارش و منتشر شده است، در این زمینه می‌تواند روشن‌گر باشد.

## نگرش‌های فلسفی سیاسی در آرای صدرالمتهلین

سیاسی به جامعه معرفی کند. اگرچه کوشش‌هایی در این زمینه انجام گرفته و از جمله تا کنون دو نوشته به طور خاص با عنوان *اندیشه سیاسی صدرالمتهلین*<sup>۱</sup> و *اندیشه سیاسی ملاصدرا*<sup>۲</sup> نگارش و منتشر شده است که به بخشی از مباحث سیاسی وی اشارات خوبی داشته‌اند اما از معرفی ملاصدرا به عنوان فیلسوف سیاسی امتناع و مباحث او را در قالب اندیشه سیاسی ارائه کرده‌اند.

گفتنی این که تحقیق نجف لک‌زایی در زمینه اندیشه سیاسی صدرالمتهلین که از فضل تقدم و از عمق و غنای خوبی برخوردار است، تدوین اندیشه سیاسی ملاصدرا را به نوعی مقدمه‌ای برای ورود به فلسفه سیاسی وی برشمرده است. با این حال مباحث این رساله تلاش دارد به فلسفه سیاسی ملاصدرا نزدیک شده و بر آن است کلیتی در این زمینه به دست دهد تا با آثار دیگری در این زمینه تکمیل گردد.

همچنین مجموعه مقالات همایش سیاست مدن در حکمت متعالیه با عنوان *فلسفه سیاسی در حکمت ملاصدرا*<sup>۳</sup> توسط بنیاد حکمت اسلامی صدرا چاپ و منتشر شده است که با توجه به پراکندگی مقالات و عدم انسجام لازم میان آنها و تکرار برخی از مباحث، به رغم عنوان کتاب، در نشان دادن ابعاد مختلف فلسفه سیاسی ملاصدرا ناتوان است. ضمن این که غالب مباحث توسط افراد غیر متخصص فراهم آمده و کم تر دانش آموختگان علوم سیاسی در گرایش اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی در نگارش مقالات همکاری داشته‌اند. اگرچه توجه به این بحث و نیز پرداختن به این موضوع را می‌توان از محاسن این اثر و این مجموعه به شمار آورد.

در این زمینه کارهای دیگری که به فلسفه سیاسی ملاصدرا نزدیک است با مدیریت نگارنده انجام شده است که می‌توان به عنوان نمونه از مجموعه سه جلدی نشست‌ها و گفتگوهای سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه<sup>۴</sup> و مجموعه چهار جلدی مقالات سیاست

۱. نجف لک‌زایی، *اندیشه سیاسی صدرالمتهلین*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

۲. عقیل یوسفی، *اندیشه سیاسی ملاصدرا*، قم، کشف الغطاء، ۱۳۸۳.

۳. سید محمد خامنه ای (زیر نظر)، *فلسفه سیاسی در حکمت ملاصدرا* (مجموعه مقالات منتخب نهمین همایش داخلی حکیم ملاصدرا، اول خرداد ض ۳۸۵)، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۶.

۴. *سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه*، نشست‌ها و گفتگوها، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دفتر اول ۱۳۸۷، دفتر دوم ۱۳۹۰ و دفتر سوم ۱۳۹۱.

متعالیه از منظر حکمت متعالیه<sup>۱</sup> یاد کرد که در قالب همایشی با همین عنوان به این بحث پرداخته است. این مجموعه به همراه دیگر تحقیق‌های مستقلی<sup>۲</sup> که با مدیریت اینجانب در پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به انجام رسیده است به رغم تنوع و غنای بالای مطالب و مقالات، تا رسیدن به مطلوب فاصله دارد. ضمن این که بحث اصلی در مجموعه کارهای مذکور، حکمت متعالیه و نه صرفاً آرای صدرالمتألهین بوده است.

از این رو، افزون بر موارد برشمرده شده، تا کنون بحث مستقلی در زمینه فلسفه سیاسی ملاصدرا چاپ و منتشر نشده است. آنچه تا کنون در این زمینه مورد توجه بوده است پژوهش‌هایی است که در زمینه اندیشه سیاسی ملاصدرا نگارش و منتشر شده است که با توجه به این که موضوع رساله حاضر نگرش‌های فلسفی سیاسی و در نتیجه مقدمه ای برای تبیین منسجم فلسفه سیاسی ملاصدرا است در برخی جهات از این نوشته ها فاصله می‌گیرد. اگر اندیشه سیاسی را به نوعی دارای تعریفی عام تلقی کنیم، فلسفه سیاسی به همراه فقه سیاسی و کلام سیاسی در ذیل آن قرار می‌گیرد. بنابراین نوشته حاضر به مثابه اولین اثر منسجم و مستقل پژوهشی درباره فلسفه سیاسی ملاصدرا به تحقیق خواهد پرداخت در واقع نوآوری پژوهش در این بخش خودش را بیشتر نمایان می‌سازد که تلاش دارد نمای کلی و ابعاد اصلی فلسفه سیاسی ملاصدرا را مورد بازخوانی قرار داده و به تبیین برخی مباحث فلسفی سیاسی وی نیز که در آثار دیگران مورد توجه قرار گرفته، بپردازد. در واقع شاید بتوان گفت کارهایی که تا کنون انجام شده به این انگیزه نبوده است که بگوید ملاصدرا واجد فلسفه سیاسی است. در حالی که در رساله حاضر، برخلاف مباحث منتشره تا کنون، ضمن اثبات شأنیّت و ظرفیت فلسفه سیاسی ملاصدرا بر آن است این نکته را طرح و برجسته سازد که ملاصدرا هم واجد نگرش‌های فلسفی سیاسی است و هم این فلسفه را، بر قیاس فلسفه وی، می‌توان فلسفه سیاسی متعالیه نام‌گذاری کرد.

<sup>۱</sup>. سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، مجموعه مقالات، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، جلد اول ۱۳۸۸، جلد دوم ۱۳۸۹ و جلد سوم و چهارم ۱۳۹۰.

<sup>۲</sup>. علیرضا صدرا، مفهوم‌شناسی حکمت متعالیه سیاسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹؛ ابوالحسن حسینی، مقدمه‌ای بر حکمت سیاسی متعالیه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹؛ احمدرضا یزدانی مقدم، انسان‌شناسی در فلسفه سیاسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱؛ سید خلیل الرحمان طوسی، فلسفه اخلاق متعالیه و سیاست متعالیه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در حال انتشار.

### چارچوب، مبانی نظری و پیش‌فرض‌های تحقیق

۱. سیاست متعالی، برخواسته از حکمت متعالی بوده و بایسته و شایسته است باشد.
۲. حکمت متعالی، معطوف به سیاست متعالی بوده و شایسته و بایسته است باشد.
۳. حکمت سیاسی متعالیه، مرحله، مرتبه و نقطه تجمیع و تعالی هم‌ه مکاتب و مشارب حکمی، کلامی، عرفانی و اخلاقی پیشین و برآمد همه آنها است.
۴. این حکمت به لحاظ پیشینه در حکمت جاویدان شرقی و ایرانی ریشه دارد که جامع عقلانیت، دیانت و سیاست از یک سوی و طالب توسعه اقتصادی توأم با تعادل اجتماعی و سیاسی در جهت تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی از سوی دیگر است؛ نیز این حکمت در حکمت راستین یونانی و حکمت فاضله مشائی و حکمت اشراقی ریشه دارد.
۵. همچنین این حکمت پشتوانه مکتب متعالی اسلام (قرآن و سنت) و رهیافت راهبردی (بنیادین، جامع، نظاممند، هدف‌مند) ولایی و امامی شیعی را با خود به همراه دارد.
۶. امام خمینی، تبیین و تفصیل عملی حکمت سیاسی متعالی و تحقق عینی آن در انقلاب اسلامی و نظام سیاسی انقلابی جمهوری اسلامی ایران است.
۷. پدیده انقلاب اسلامی و نظام سیاسی انقلابی جمهوری اسلامی ایران، نمونه الهام بخش و اثربخش در جهان اسلام و در جهان معاصر، پس از گذار از مراحل تأسیس، تثبیت و دفاع مقدس و بازسازی و سازندگی زیربنایی کشور، هم‌اینک با چشم انداز توسعه متعالی و چالش ارتقای کارآمدی خویش به منظور تحقق چشم انداز و دستیابی به اهداف والا ی آن پیش روی می‌باشد. روزآمدی حکمت سیاسی متعالیه صدرا و صدرایی و حکمت سیاسی متعالی انقلابی امام خمینی، برترین زیرساخت راهبردی سازوار و علمی-عملی ارتقای کارآمدی و توسعه متعالی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

### پرسش، فرضیه و روش تحقیق

بر اساس آنچه بیان شد، پرسش اصلی پژوهش حاضر، ضمن توجه و مفروض انگاشتن امکان، ظرفیت و حتی ضرورت فلسفه یا حکمت متعالی صدرا در قالب پرسش‌های اصلی زیر قابل طرح است: بر اساس چه اختصاصاتی در فلسفه متعالیه، صدرالدین شیرازی واجد نگرش‌های فلسفی سیاسی و در نتیجه فلسفه سیاسی است؟ آیا می‌توان گفت فلسفه صدرا فلسفه‌ای ممتاز و متمایز و متعالی نسبت به سایر فلسفه‌های اسلامی است تا در پی آن از